

صدق به چه کار می آید؟

مناظره ریچارد رورتی و پاسکال آنژل
همراه چهار جستار دیگر در باب صدق

ترجمه روح الله محمودی



نشرکردن

www.atharebartar.com

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.
نشر کرگدن: تهران صندوق پستی ۱۷۱۶-۱۳۱۴۵
www.kargadanpub.com



نشر کرگدن

مجموعه گفت و گواندیشی - ۱
دبیر مجموعه: حسین شیخ رضائی

صدق به چه کار می آید؟

نویسنده: ریچارد رورتی و پاسکال آنژل

مترجم: روح الله محمودی

ویراستار: حسین شیخ رضائی

نسخه پرداز: شادی جاجرمی زاده

مدیر هنری: سحر ترهنده

ناظر چاپ: علی محمدپور

لیتوگرافی: نقش سبز

چاپ و صحافی: ندای ایران

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۴۵۲-۲-۶

چاپ اول: ۱۳۹۵

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۴۵۰۰ تومان

یادداشت دبیر مجموعه

«اندیشیدن» فارغ از محتوای آن و بی‌توجه به آنکه در کدام زمینه و رشته و با چه نیت و هدفی انجام می‌گیرد، در ذات خود فرایندی «گفت‌وگویی» است. لازم است که اندیشنده حتی در کنج تنهایی خود بتواند از موضع مورد قبولش فاصله بگیرد، مسئله را از زوایایی دیگر بکاود، «وانمود» کند که با آنچه طرح شده مخالف است و بکوشد از منظری دیگر، عموماً از منظری انتقادی، به فرایند و دستاوردهای اندیشه خود بنگرد. گفت‌وگو با نیمه‌ی دیگر خود، در بنیادی‌ترین لایه، مقوم و سازنده‌ی اندیشیدن است. از سوی دیگر، بدون چنین گفت‌وگویی احتمال رخ دادن خطا در اندیشه و ناکارآمدی آن بسیار بالاست. به همین دلیل عجیب نیست اگر ادعا کنیم گفت‌وگو تضمین‌کننده‌ی ثمربخشی اندیشه است.

اما اندیشنده علاوه بر خود، با بسیاری افراد، نهادها و رقیبان دیگر نیز در گفت‌وگو است. هر اندیشیدنی واکنشی است به وضعیت موجود. حتی در فلسفه‌ورزی، انتزاعی‌ترین نوع اندیشیدن، اندیشنده درصدد صورت‌بندی دلایل موافقت و/یا مخالفت خود با مرزها، تقسیم‌بندی‌ها و مقولات اندیشگی عرضه‌شده از سوی دیگران است. در اینجا اندیشنده حتی اگر برنهادی کاملاً تازه و بدیع نیز مطرح کند، در واقع جای چنین آموزه‌ای را در سیر اندیشه «دیگران» خالی دیده است. چنین است که اندیشیدن، حتی در خلوت و تنهایی، کنشی است از بنیاد اجتماعی که گفت‌وگو در قلب آن جای دارد.

گفت‌وگو سهمی مهم‌تر نیز در قوام بخشیدن به اندیشه دارد. بسیاری از ما آدمیان چنان‌ایم که تا اندیشه‌ی خود را با زبان بلند و برای خود/دیگران بازگو نکنیم، آن اندیشه برای ما وضوح نمی‌یابد و زوایای تاریک آن روشن نمی‌شود. گفت‌وگو، حتی اگر یک سویه باشد، چراغی است که دست‌کم فضای ذهنی گوینده را برای خود او روشن‌تر می‌کند.

پس بی‌دلیل نبوده است که گفت‌وگو در مقام قالبی بیانی در زمره‌ی شایع‌ترین قالب‌های مورد علاقه‌ی بزرگ‌ترین اندیشمندان تاریخ بشر بوده است. سقراط، پدر فیلسوفان تمام دوران‌ها، جز گفتن و شنیدن کاری نکرد و افلاطون حتی

مخالفت‌های احتمالی خود را با اندیشه‌های استادش جز از زبان شخصیت‌های درگیر گفت‌وگو عرضه نداشت. در غرب و شرق هرگاه متفکر و استادی در پی عرضه افکار و تعالیم خود بوده راهی مناسب‌تر از گفت‌وگو، ولو خیالی، با شاگردان و هم‌تایان و مخالفان خود نیافته است. در زمانه انقلاب‌های علمی، عصر روشنگری و دیگر دوران‌های تحولات سترگ اجتماعی در حیات بشر نیز راهی مناسب‌تر از به‌کارگیری متن‌های مبتنی بر گفت‌وگو، برای نشان دادن تواضع علمی، صداقت اجتماعی و حقیقت‌دوستی نویسندگان، در اختیار نبوده است. و این همه جز اندیشمندانی است که مستقیماً «گفت‌وگو» را دستمایه اندیشه‌ورزی خود قرار داده‌اند و در باب این پدیده نظریه‌پردازی کرده‌اند.

گفت‌وگو نسبت دیگری نیز با اندیشه دارد. در فضای عاری از گفت‌وگو، فضایی که در آن به‌جای گفتن و «شنیدن» تنها گفتن و «نشیدن» در کار باشد، اندیشمند بزرگی سر برنخواهد آورد. در اینجا محتوای گفت‌وگو چندان مهم نیست که اصل وجود آن. بدون تمرین گفت‌وگو در جمع ما نه سلامت روان خواهیم داشت و نه قادریم گفت‌وگویی ثمربخش با خود داشته باشیم، امری که پیش‌نیاز هر اندیشیدن اصیلی است. بی‌دلیل نیست که امروزه از گفت‌وگو به عنوان نوعی درمان و تسهیل‌کننده زیست‌جمعی یاد می‌کنند. رواج گفت‌وگو، در هر سطح و با هر موضوعی، نشانه قابل‌اعتمادی است از میزان متمدن بودن يك اجتماع.

در این مجموعه، با عنایت به نقش نازدودنی گفت‌وگو در شکل‌دهی و ارتقا اندیشه، درصدیم برخی از بهترین نمونه‌های گفت‌وگو میان اندیشمندان در حوزه‌های مختلف را در اختیار فارسی‌زبانان قرار دهیم. آنچه در این مجموعه حائز اهمیت است نه محتوای گفت‌وگوها که قالب و سبک آنها است، حتی واقعی یا خیالی بودن گفت‌وگوها نیز تعیین‌کننده نیست. این مجموعه تلاشی است برای معرفی و تمرین اندیشیدن از راه آشنایی با برخی از جذاب‌ترین نمونه‌های گفت‌وگو، چیزی که آن را «گفت‌وگو اندیشی» نامیده‌ایم.

حسین شیخ‌رضائی

فهرست

۱	مقدمه مترجم
۱۳	مقدمه (پاتریک ساویدان)
۱۷	گفتار اصلی (مناظره رورتی و آنژل)
۴۹	بحث
۵۷	نقد رورتی بر معرفت‌شناسی (گری گاتینگ)
۵۷	• خاستگاه‌های مدرن معرفت‌شناسی
۶۲	• توجیه و رفتارگرایی معرفت‌شناختی
۶۷	• توجیه به‌عنوان کنشی اجتماعی
۷۶	• مسئله صدق
۸۷	دیدگاه ریچارد رورتی در باب معرفت و صدق (مایکل ویلیامز)
۸۹	• ستیز با سنت
۹۵	• پراگماتیسم و صدق
۱۰۰	• چرخش هیومی رورتی
۱۱۱	• از خطا‌پذیری به شک‌گرایی
۱۱۷	آیا صدق گم شده است؟ (پاسکال آنژل)
۱۲۹	پاسکال آنژل: صدق (ریچارد رورتی)
۱۳۳	یادداشت‌ها
۱۴۷	کتابنامه

مقدمه مترجم

بدنه اصلی این کتاب متن پیاده‌شده مناظره‌ای عمومی با حضور ریچارد رورتی^۱ و پاسکال آنژل^۲ در نوامبر سال ۲۰۰۲ م. در دانشگاه سوربن است. در آنجا، ریچارد رورتی، فیلسوف نئوپراگماتیست آمریکایی، و پاسکال آنژل، فیلسوف تحلیلی فرانسوی، دیدگاه‌های متفاوت و گاه متعارض خود را در باب صدق و اهمیت آن در حوزه‌های مختلف فرهنگ، از فلسفه و زبان گرفته تا سیاست، به بحث گذاشته‌اند. اولین موضوعی که توجه خواننده را جلب می‌کند گرایش‌های فکری متفاوت این دو فیلسوف است. یکی نئوپراگماتیست و منتقد جدی فلسفه تحلیلی است، و دیگری در کشوری که بسیار تحت تأثیر سنت قاره‌ای است، شورمندان کمر به معرفی و حمایت از فلسفه تحلیلی بسته است. اما آنچه ماجرا را از این هم جذاب‌تر می‌کند مسیری است که این دو فیلسوف برای رسیدن به یکدیگر در این نشست طی کرده‌اند. همین مسیر فکری شگفت است که آنها را به معجونی از دو سنت عمده فلسفی، یعنی تحلیلی و قاره‌ای، تبدیل کرده و در نتیجه لایه‌های متعددی برای گفت‌وگوی موجز و انتقادی‌شان در این کتاب به وجود آورده است.

ریچارد رورتی زیر نظر فیلسوفان بزرگی همچون رودلف کارنپ^۳ و

1. Richard Rorty
2. Pascal Engel
3. Rudolf Carnap

چارلز هارتشورن^۱ آموزش دیده و تصور بر این بوده است که به یکی از قله‌های فلسفه تحلیلی در نیمه دوم قرن بیستم میلادی تبدیل خواهد شد. او البته در ابتدای دوران کاری‌اش نیز پژوهش‌هایی ارزشمند در این حوزه ارائه کرده است، که در این زمینه مشخصاً می‌توان به کتاب چرخش زبانی^۲ اشاره کرد. اما به تدریج، و شاید با کمی اغماض^۳ با انتشار کتاب کلاسیک فلسفه و آئینه طبیعت^۴ در سال ۱۹۷۹ م.، تردیدهای جدی او درباره اهمیت و ارزش فلسفه تحلیلی آشکار شده است. رورتی در این کتاب با الهام از نظریات سلارز^۵، کواوین^۶ و دیویدسون^۷ حمله‌ای همه‌جانبه علیه برخی از مستحکم‌ترین آموزه‌های فلسفه تحلیلی، به‌ویژه رئالیسم و نظریه بازنمایانه آن در باب معرفت، تدارک می‌بیند. او در این کتاب نه تنها تمام نظریه‌های مطابقتی صدق را رد می‌کند، بلکه بخش اعظم معرفت‌شناسی مدرن را نیز کنار می‌نهد. در واقع، انتشار این کتاب نقطه آغاز ابراز نگرانی‌های جامعه فلسفی است در خصوص مسیر فکری رورتی در آینده. البته رورتی، بدون توجه به این نگرانی‌های فزاینده، در سال‌های پس از انتشار این کتاب نیز همچنان به بسط نقدهایش بر این جریان عمده در فلسفه معاصر ادامه داده است. دیدگاه‌های او در این زمینه در قالب مجموعه مقالات متعدد، از جمله عینیت، نسبی‌اندیشی و صدق^۸ و صدق و پیشرفت^۹ منتشر شده است. برهان مرکزی رورتی در این مجموعه مقالات، آن‌چنان‌که بریان ترنر^{۱۰} می‌گوید «نسبتاً ساده و به همین دلیل قدرتمند است. هیچ تأیید نهایی و خدشه‌ناپذیری

1. Charles Hartshorne

2. *The Linguistic Turn* (Chicago: University of Chicago Press, 1967, 1992).

۳. اغلب نقطه افتراق ریچارد رورتی از فلسفه تحلیلی را کتاب فلسفه و آئینه طبیعت دانسته‌اند، اما در واقع حتی پیش از انتشار این کتاب مهم نیز نشانه‌های این تغییر دیدگاه عمده را در نوشته‌های رورتی می‌توان یافت. در این رابطه نک. مقدمه چارلز گیگنن (Ch. Guignon) و دیوید هایللی (D. R. Hiley) بر کتاب *Richard Rorty (Contemporary Philosophy in Focus)*.

۴. گاه هنگام اشاره به این کتاب به‌طور خلاصه از عبارت (PMN) استفاده می‌شود که مخفف عنوان اصلی آن (*Philosophy and the Mirror of Nature*) است. ترجمه فارسی این کتاب در سال ۱۳۹۰ به قلم مرتضی نوری منتشر شده است.

5. W. Sellars

6. W. V. Quine

7. D. Davidson

8. *Objectivity, Relativism, and Truth: Philosophical Papers, Volume 1 (ORT)*

9. *Truth and Progress: Philosophical Papers, Volume 3 (TP)*

10. Bryan S. Turner

دربارهٔ صدق وجود ندارد، پس ما باید به فیلسوفان یا سیاستمدارانی که ادعا می‌کنند حقیقت [/صدق] را یافته‌اند یا می‌خواهند جامعه را آن‌چنان اداره کنند که گویا سیاست‌گذاری اجتماعی را بر حقیقتی کلان می‌توان بنا کرد، مشکوک باشیم^۱. البته باید یادآور شوم که انتقادات رورتی صرفاً به فلسفهٔ تحلیلی محدود نمی‌شود، و او فیلسوفان قاره‌ای را نیز از حملات خود بی‌نصیب نمی‌گذارد؛ زیرا «در میان آنان نیز، همچون بسیاری از فیلسوفانی که در سنت تحلیلی کار می‌کنند، باوری دست به دست می‌گردد. این باور که چیزی «حقیقتاً واقعی» در کار است که باید پرده از رخسار آن برافکند»^۲. طبیعی است که این نظریات، طی سال‌ها، عکس‌العمل طیف وسیعی از فیلسوفان و دیگر فعالان و اندیشمندان فرهنگی و سیاسی را برانگیخته است. مثلاً وقتی رورتی بر اساس دیدگاه‌های غیرمبنایانه‌اش این ادعای خلاف‌آمد عادت را طرح می‌کند که دموکراسی با بسط همبستگی و همدلی پیشرفت می‌کند، و نه از راه عقلانیت فلسفی و گفتمان اخلاقی جهان‌روا، پس کتاب‌هایی مانند کلبهٔ عموتام بیشتر به کار پیشرفت اخلاقی جامعه می‌آید تا رساله‌های فلسفی کانت و هگل، زیرا آنچه ما به آن نیاز داریم ارتقای عواطف اعضای جامعهٔ لیبرال است و نه تشریح ظهور روح در تاریخ، طبیعی است که همکارانش چنین ایده‌هایی را به‌تسخیر بگیرند. یا زمانی که او می‌کوشد مخاطبانش را قانع کند که بهتر است آرمان عینیت را کنار نهند و به‌جای آن همبستگی را بنشانند^۳، جای تعجب نیست که همقطاران‌ش نگرانی‌های عمیق خود را دربارهٔ انتشار این دیدگاه‌ها ابراز دارند. شاید همین نگرانی‌ها محرک پاسکال آنژل در بحث با رورتی شده باشد. پاسکال آنژل، فیلسوف تحلیلی فرانسوی، در فضای فلسفهٔ قاره‌ای آموزش

۱. نک. مدخل «ریچارد رورتی» نوشتهٔ بریان ترنر در کتاب:

Profiles in Contemporary Social Theory

۲. نک. موحرة البجاه دان (G. Elijah Dann) بر کتاب:

An Ethics for Today: Finding Common Ground Between Philosophy and Religion

۳. نک. مقالات "Objectivity or Solidarity?" و "Science as Solidarity" در کتاب:
Objectivity, Relativism and Truth

دیده و در ابتدا تحت تأثیر هایدگر^۱ و دلوز^۲ بوده است، اما پس از آن به فیلسوفان تحلیلی، از جمله فرگه^۳، کریپکی^۴ و دیویدسون، گرایش پیدا کرده است. برای نمونه، رسالهٔ دکتری او در باب فلسفهٔ زبان دونالد دیویدسون نگاشته شده است. او در آثار خود به نقش و ماهیت صدق بسیار پرداخته و از رهیافتی رئالیستی به صدق دفاع کرده است. از میان آثار او به‌ویژه باید به کتاب صدق^۵ اشاره کرد که ترجمهٔ مقدمهٔ آن را، به دلیل ارتباط با موضوع، در این کتاب آورده‌ام. آنژل عمدهٔ تلاش خود را در فضای فلسفی فرانسه به معرفی و دفاع از فلسفهٔ تحلیلی معطوف کرده است. از جمله نشانه‌های این کار می‌توان به انتشار کتاب برهان: درآمدی بر فلسفهٔ تحلیلی^۶ اشاره کرد. باید گفت که او در این بحث، تا حدی، نمایندهٔ فیلسوفان و متفکرانی است که نسبت به بسط و ترویج ایده‌های رورتی احساس نگرانی می‌کنند.

همان‌گونه که از نام کتاب پیداست، نزاع اصلی بر سر یکی از مناقشه‌برانگیزترین مباحث در فلسفهٔ معاصر است: چیستی و ارزش صدق. آنژل که از نوعی رئالیسم حداقلی در باب صدق دفاع می‌کند، منتقد جدی دیدگاه‌های کسانی همچون میشل فوکو^۷ و ریچارد رورتی است. او البته اشتراک‌نظرهای اندکی نیز با رورتی دارد. مثلاً با نقدهای رورتی بر نظریهٔ کلاسیک تطابقی صدق همدل است، و نیز از برخی مضامین پراگماتیستی، مشخصاً ایده‌های چارلز سندرس پرس^۸، دفاع می‌کند. اما آن‌چنان‌که خود نیز اذعان دارد، این اشتراکات ناچیز است و آنچه می‌ماند اختلاف‌نظرهای بنیادین است. این اختلاف‌نظرها چنان گسترده است که آنژل را وامی‌دارد در گفتار مقدماتی‌اش دیدگاه‌های رورتی در باب صدق را شک‌گرایانه و پوچ‌انگار بخواند. البته رورتی نیز به انتقادهای او پاسخ می‌دهد. سپس شاهد بحثی کوتاه میان دو فیلسوف ایم. متن کتاب در نسخهٔ انگلیسی آن با بازنشر مرور رورتی بر

1. M. Heidegger

2. G. Deleuze

3. G. Frege

4. S. Kripke

5. Truth

6. *La dispute: Une introduction à la philosophie analytique* (1997)

7. Michel Foucault

8. Charles Sanders Peirce